

اهمیت شناخت پیشینه سایت در رویکرد حفاظت جامع،

نمونه موردی: سایت پیرامون مسجد کبود تبریز*

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۵
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۶/۴

مهناز پیروی** - محمداقبر کبیرصابر***

چکیده

حفاظت جامع یکی از رویکردهایی است که در پی اعتبار یافتن پارادایم پایداری و متأثر از تفکرات ملهم از این پارادایم، در مغرب زمین ظهور پیدا کرده است. این رویکرد پس از چندین دهه تجربیات نوین در زمینه حفاظت از بافت‌های با ارزش شهری، به عنوان راهکاری مطلوب مورد توجه متخصصان قرار گرفت؛ زیرا این قابلیت را داشت که ضمن توجه به ارزش‌های مادی و معنایی محیط‌های تاریخی، متوجه به تأمین نیازهای شهر و شهروندان نیز باشد. در این رویکرد، کسب شناخت از پیشینه مکان، شرط لازم برای یک اقدام معرفت پایه و ثمربخش می‌باشد. در این مقاله برای تبیین اهمیت این امر و همچنین تذکر تبعات غفلت از آن، نتایج یک مطالعه که بررسی فرجام محوطه تاریخی مسجد کبود تبریز در دهه هفتاد شمسی می‌باشد، ارائه شده است. در آن زمان مداخلات ناسنجیده و شتاب زده در این محوطه تبعات جبران ناپذیری را بر هویت آن وارد نمود و منجر به فقدان همیشگی بخشی از ساختار تاریخی محوطه و در نتیجه تاریخ شهر شد. با درک آنچه گفته شد، پژوهش حاضر متوجه این پرسش است که غفلت از بررسی‌های علمی برای حصول شناخت نافذ از پیشینه مکان، منجر به چه تبعاتی برای محوطه پیرامون مسجد کبود شده است؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته است. از نتایج پژوهش، تبیین این موضوع است که سایت مورد مطالعه که قدمتی برابر با عصر آهن دارد و در طول تاریخ، بارها استقرار جوامع انسانی در آن برقرار بوده است؛ هویت و منزلتی دارد که تاکنون متناسب با شأن آن رفتار نشده است. همچنین تصمیمات متفرق حوزه‌های مختلف مدیریت شهری، برای سرنوشت این محوطه زیان بار بوده است. اگر در مداخلات دهه هفتاد شمسی مدیران و کارشناسان تصمیم‌گیرنده برای این محوطه، متوجه رسالت و مسئولیت اجتماعی خود می‌بودند و الزام به برخورد عالمانه و معمارانه با چنین محیط ارزشمندی را می‌داشتند؛ پیش از هر عملی، نسبت به اتخاذ یک راهبرد طراحی متناسب با شأن محیط اقدام می‌نمودند و از بروز بحران‌های بعدی جلوگیری به عمل می‌آمد.

واژگان کلیدی: حفاظت جامع، پیشینه تاریخی، لایه‌شناسی، مسجد کبود.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله کارشناسی ارشد نویسنده اول، با عنوان «پنجره ای رو به عصر آهن تبریز؛ طرح ساماندهی سایت باستانی پیرامون مسجد کبود تبریز با رویکرد آفرینش موزه عصر آهن» با راهنمایی دکتر محمداقبر کبیرصابر در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه معماری، تبریز، ایران می‌باشد.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، گروه هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

*** استادیار معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

در تاریخ معاصر ایران و به خصوص در روند یکصد ساله مدرنیته که جامعه سنتی ایرانی با شتاب برای به دست آوردن دستاوردهای نوین گام برداشت، تمامی ارکان آن تحت تأثیر فرآیند مدرنیته قرار گرفت. از آنجایی که این روند در ابتدا بی-هیچ تأملی آغاز شد. در ادامه هم از برنامه‌ریزی‌های جامع و نافذی بهره‌مند نبود، توفیقات قابل ستایشی را به دست نیاورد (Kabirsaber, 1999, p. 373). بافت تاریخی شهرهای کهن ایرانی یکی از بارزترین عرصه‌هایی بود که تحت تأثیر این دگرذیسی‌های شتاب زده قرار گرفت. غالب اقداماتی که در این عرصه‌های با ارزش صورت پذیرفت، هویت تاریخی و حتی عملکردی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داد. در حال حاضر بقایای این محیط‌های تاریخی در میان کالبد توسعه یافته شهر معاصر ایرانی در حال چالش با زندگی جدید و ناسازگاری است که هرگز برای آن آفریده نشده بود (Ibid, p. 374). در نوشتار حاضر محیط تاریخی پیرامون مسجد کبود تبریز که علیرغم اصالت و ارزش‌های بی‌بدیل، در اوایل دهه هفتاد شمسی به طرز نابخردانه‌ای درهم کوبیده شد، به عنوان یک مصداق مورد بررسی قرار گرفته است. ضرورت نگارش مقاله حاضر در وهله نخست، ریشه در اعتبار و اصالت این میراث تکرارناپذیر دارد. در وهله بعدی لزوم حمایت عالمانه از موجودیت معنایی این سایت است. در این نوشتار بر پایه رویکرد حفاظت جامع، شناخت پیشینه مکان به عنوان اولین مرحله هر فرآیند حفاظت علمی مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت بحث حاضر در این است که تا کنون مطالعه متمرکزی درباره توسعه تاریخی سایت مورد بحث صورت نپذیرفته است. از سویی باید در نظر داشت، یکی از شروطی که به چنین محوطه‌هایی، اعتبار جهانی می‌بخشد، شناساندن تاریخ و معرفی وجود تمدن یا توالی تمدن‌های منطقه است. (Feilden & Jokilehto, 2009, p. 8). لذا لایه شناسی و بررسی ادوار ساختمانی این سایت، ضرورت و اهمیت می‌یابد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناخت تحلیلی پیشینه سایت مورد اشاره است. پژوهش حاضر مسأله محور بوده و قصد پاسخ به این پرسش را دارد که غفلت از بررسی‌های علمی برای حصول شناخت نافذ از پیشینه مکان، منجر به چه تبعاتی برای محوطه پیرامون مسجد کبود شده است؟

۱. روش تحقیق

سرشت پژوهش حاضر، تعمق همزمان در منابع مکتوب و نیز بررسی عینی سایت را طلب می‌نماید؛ لذا بخشی از فرآیند پژوهش، مبتنی بر مطالعه و تحلیل مطالب و اشارات مندرج در منابع مکتوب بوده؛ و از سویی دیگر، بخشی از فرآیند پژوهش بر پایه مشاهدات میدانی و بررسی عینی آثار و مواد فرهنگی پراکنده در سایت انجام پذیرفته است. در نهایت، راهبرد کلی انجام این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

۲. ادبیات پژوهش

مرور ادبیات در این پژوهش از سه جهت قابل بررسی می‌باشد: الف) منابع تاریخی مانند سفرنامه‌ها که در هر کدام از آن‌ها اشاراتی درباره تاریخچه بافت پیرامون مسجد کبود مسطور می‌باشد. ب) منابع مکتوب جدیدالتألیفی که در نیم قرن گذشته منتشر شده و در آنها اشارات مستقیم و یا غیرمستقیمی راجع به مسجد کبود درج شده است. ج) گزارشات کاوش‌های باستان‌شناسی چند فصل اخیر که توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی تدوین شده و در آن‌ها برای اولین بار، پرده از اسرار سایت و بالتبع قدمت دیرپای شهر تبریز برداشته شده است. به این قسم از منابع باید برخی از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی را افزود.

۳. مبانی نظری پژوهش

با عنایت به آنچه در بخش مرور ادبیات پژوهش ذکر شد؛ مطالعاتی که تاکنون درباره موضوع مورد بحث به عمل آمده، عمدتاً معطوف به حوزه علوم باستان‌شناسی و تاریخ بوده است که طبیعتاً در جایگاه خود قابل اعتنا می‌باشند. اما پژوهش حاضر، رویکردی از جنس تأملات محیطی دارد و از آنجایی که سایت مورد مطالعه، محیطی تاریخی است؛ لذا یکی از رویکردهای مطرح در این حوزه، یعنی «حفاظت جامع» مبنای بحث این پژوهش می‌باشد. حفاظت جامع رویکردی است که پس از اعتبار یافتن پارادایم پایداری^۱ ظهور و به لحاظ جامع‌نگری و همچنین اثربخشی، مورد توجه قرار گرفت. "حفاظت جامع، یعنی آشتی دادن بین شرایط نگهداری محل و اهداف طراحی شهری؛ به عبارت دیگر، بررسی ارزش‌ها و منافع بافت تاریخی موجود، با ارزشی برابر با سایر عوامل در فرآیند کلی طراحی" (Feilden & Jokilehto, 2009, p. 108). رویکرد حفاظت جامع ابعاد مادی و معنایی گسترده‌ای را پوشش می‌دهد و از دیدگاه آن، نخستین گام جهت حصول مقصود و به عبارتی "اساس هر نوع طراحی و دخالت در بافت موجود، آگاهی و درک از منبع فرهنگی منطقه، یعنی تاریخ منطقه و شرایط موجود آن است" (Ibid, p. 109).

بنابراین کاربردی رویکرد حفاظت جامع، بدون طی مرحله شناخت پیشینه سایت، فعل عبث است. به بیانی دقیق تر در دیدگاه حفاظت جامع، شناخت تاریخچه مکان، پیش نیاز هر نوع اقدام علمی و عملی است. سرشت این سخن، توصیه به معرفت لایه‌های تاریخی سایت و نیز درک دلایل پیشرفت یا پسرفت منطقه در ادوار مختلف؛ به منظور بهره برداری در فرآیندهای برنامه ریزی و طراحی است. نکته قابل ذکر در اینجا آن است که برای شناخت پیشینه سایت هرگز روش واحدی وجود ندارد، بلکه به اقتضای هر سایت، روش مخصوصی را باید جستجو نمود (Kabirsaber, 2012, A). بنابراین چنین مطالعاتی، چنانچه نظریه پردازان و منشورهای تخصصی حفاظت توصیه می‌نمایند، مستلزم همکاری‌های میان رشته‌ای است. بدین طریق می‌توان حصول شناختی را انتظار داشت که ارزش‌های یک اثر تاریخی را روشن نموده و طرح حفاظت مبتنی بر درک کافی از پیشینه مکان و ویژگی‌های سایت، محقق شود. کارشناسان کارآزموده حوزه حفاظت معماری، کیفیت یک اقدام حفاظتی مطلوب را در گرو - حدوداً - هفتاد درصد پژوهش و سی درصد اجرا می‌دانند (Mohebbali, 2003, p. 29). در گام بعدی به اتکاء اطلاعات به دست آمده از طریق تحلیل سایت و با رعایت ملاحظات حفاظت محیطی و همچنین با در نظر گرفتن نیازها و خواسته‌های کاربران، تصمیمات بهینه برای عمران و توسعه سایت اتخاذ می‌شود (Lynch, 1984). مع الوصف، امروزه در غالب طرح‌های حفاظت معماری و شهری، آنچه مورد کم توجهی قرار می‌گیرد، شناخت مؤثر از پیشینه و زمینه مکان است و معمولاً از انجام متعهدانه آن سرباز زده می‌شود.

مقاله حاضر به اتکاء مباحث تئوریک فوق، تبعات غفلت از شناخت پیشینه سایت را در یکی از ارزشمندترین مجموعه‌های میراث معماری ایران مورد بحث قرار داده است. سایت مورد اشاره همان گونه که پیش تر ذکر شد، محوطه تاریخی پیرامون مسجد کبود تبریز - و لایه‌های تاریخی نهفته در زیر آن - است. دو دهه قبل، یعنی در اوایل دهه هفتاد هجری شمسی، مقارن با اقدامات عمرانی پس از سال‌های جنگ، مدیریت عمران شهری با نظر موافق مسئولان استانی و با طرح و سرمایه‌گذاری یک مؤسسه فرهنگی مستقر در پایتخت، یعنی مؤسسه فرسی (فرهنگ - سینما)؛ اقدام به تخریب و تسطیح بافت ارگانیک پیرامون مسجد کبود نمودند. هدف این پروژه در انهدام ساختار تاریخی مذکور، عریان نمودن و به عبارتی شفافیت دادن به سیمای شهری مسجد کبود، از طریق احداث یک پارک وسیع بود. اما بعداً طراحی و احداث مجتمع‌های تجاری در این محیط تاریخی، به منظور بازگشت سرمایه مورد توجه قرار گرفت. این پروژه که در ابتدا از سرعت و پیشرفت زیادی برخوردار بود و انتظار می‌رفت به زودی خاتمه پذیرد، به یک باره چنان بحرانی را باعث شد که ضمن توقف چندین ساله، بحث‌های جنجالی خاتمه‌ناپذیری را نیز در مجامع علمی کلید زد.

این پروژه که از ابتدا مبتنی بر هیچ بنیان علمی مشخصی نبود و مطالعه کافی درباره انجام و فرجام آن صورت نپذیرفته بود، در آغاز پروژه و در حین گودبرداری عمیق، همان گونه که انتظار می‌رفت، لایه‌هایی از تاریخ شهر را به یک باره آشکار و نتیجتاً زمینه مباحث انتقادی را در بین دلسوزان فرهنگی ایجاد نمود. وضعیت پیش آمده، تجلی دگرباره‌ای از «توسعه و تضاد» در جوامع جهان سومی بود. درحالی که مدیران پروژه، مصرانه ادامه و خاتمه کار را دنبال می‌نمودند؛ مقاومت و مخالفت افکار عمومی و به خصوص اقشار فرهیخته و فرهنگی شهر مانعی بر ادامه آن شد.

به طور خلاصه می‌توان گفت تبعات پروژه مورد اشاره، صرفاً معطوف به انهدام میراث معماری پیرامون مسجد کبود نشد، بلکه بخش گسترده‌ای از آثار زیرسطحی و نهفته در لایه‌های پایین تر را نیز برای همیشه از بین برد. حال بر پایه مطالبی که ذکر شد، این مقاله می‌تواند در آگاهی بخشیدن به مدیرانی که در بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی مسئولیت دارند، از این جهت مؤثر باشد که آن‌ها را به امر شناخت پیشینه مکان قبل از اتخاذ هر تصمیمی تذکر دهد.

۴. مروری بر روند تاریخی شکل‌گیری شهر تبریز

منطقه آذربایجان یکی از کانون‌های حیات و تمدن دیرین بشریت بوده است (Raisnia, 1991, p. 103). اگرچه به نظر می‌رسد شهر تبریز که در قلب این سرزمین قرار دارد، صاحب تمدن دیرینه‌ای باشد؛ فقدان مدارک، اثبات این ادعا را همواره با مشکل مواجه می‌ساخت تا اینکه یافته‌های دو دهه گذشته در سایت باستانی پیرامون مسجد کبود، دیرینگی حیات بشری را در این منطقه از ایران آشکار نمود. در کاوش‌های به عمل آمده در این سایت، آثاری از دوره آهن متعلق به ۱۵۰۰ ق.م. نمایان شد. همچنین در این کاوش‌ها لایه‌هایی از دوره اورارتویی، اشکانی و هخامنشی، حتی تا ظهور اسلام و بعد از آن ظاهر شد (Mahdazadi, 2000, p. 8; Hejabri Nobari, 2000, p. 75). این یافته‌ها، اسناد معتبری بودند که بر قدمت سکونت در این منطقه صحنه می‌گذارند.

استاد فقید یحیی ذکاء معتقد بود که دژ «تاروئی - تارماکیس» که در متون باستانی از آن نام برده شده، همان سرزمین تبریز کنونی است که در اوایل هزاره اول ق.م. یکی از شهرهای مستحکم بود (Zoka, 1989, p. 155). همچنین با نزدیک شدن به دوره اسلامی، در متون تاریخی می‌یابیم که "تبریز در دوره شاهنشاهی ساسانیان، شهری آباد و نامدار بوده است" (Ibid, p. 156). این شهر در دوره اسلامی نیز به حیات خود، با فراز و فرودهایی ادامه داد و عالی‌ترین مرحله رشد شهری آن در دوره غازان خان مغول رقم خورد. "در زمان غازان خان، آبادی شهر به حد کمال رسید" (Karang, 1995, p. 6). اما بعد از این دوره، فراز و نشیب‌هایی در شهر به وقوع می‌پیوندد که باعث کاهش این رونق و توسعه می‌شود.

همچنان تا اوایل قاجار، که زلزله سخت ۱۱۹۳ ه.ق. همزمان با تبریز از نظر کالبد شهری بود، هیچ گاه آن شکوه معماری و شهرسازی دوره غازان خان را بر خود ندید (Kabirsaber, 2012, B). پس از این مرحله تاریخی - و در عهد قاجاریه - و به خصوص بعد از اقدامات شهرسازی دوران پهلوی، شهر رفته رفته گسترش یافت. هم اکنون شهر تبریز جزء یکی از کلان شهرهای مهم کشور با وسعت و جمعیت قابل توجه می باشد.

۵. شناخت دوره‌های تاریخی سایت پیرامون مسجد کبود

۵-۱- شناخت موقعیت شهری

سایت مورد مطالعه، در مرکز شهر تبریز و جایی که سابقاً جاده ابریشم با بازار تبریز تلاقی می کرد واقع شده (شکل ۱) و در حال حاضر به مرکزیت مسجد کبود، از سمت جنوب به خیابان امام خمینی و از شمال به خیابان شهید مدرس منتهی می شود.

شکل ۱: موقعیت مسجد کبود در شهر تبریز



(<http://www.earth.google.com>, April, 2013)

۵-۲- دوره آهن (۸۰۰-۱۵۰۰ ق.م.) و قبل از آن

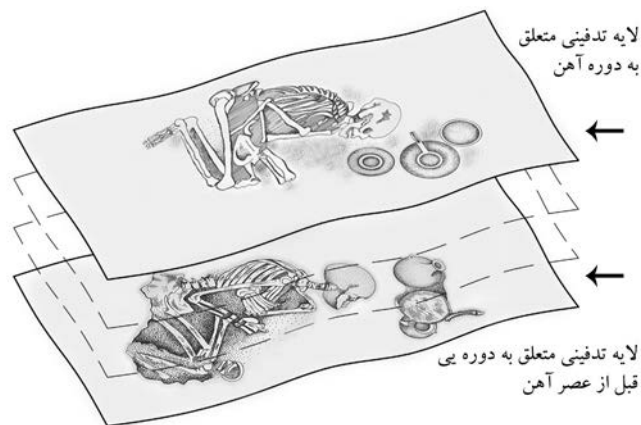
کاوش های باستان شناسی چند سال گذشته آشکار نمود که لایه زیرین این محوطه پیشینه‌ای به قدمت عصر آهن دارد (Hejabri Nobari, 2000, p. 93). آثار مکشوفه، نشان از وجود یک سکونتگاه انسانی می داد که در این حوالی و احتمالاً تا جنوب مهران رود گسترده شده بود (شکل ۲).

شکل ۲. موقعیت سایت مورد مطالعه نسبت به موقعیت احتمالی شهر در دوره آهن



مسأله دیگری که در این کاوش‌ها جلب نظر نمود، استقرار لایه‌های تمدنی دوره‌های مختلف پیش از تاریخ بر روی هم بود. به نحوی که آثاری از دوران برنز در این حفاری‌ها مشاهده شد (Hejabri Nobari, 2002, p. 34). همچنین در ناحیه قبور مکشوفه با در نظر گرفتن اینکه در برخی موارد این تدفین‌ها بر روی یکدیگر صورت گرفته‌اند (Ibid)، احتمال قدمتی بیش از عصر آهن، یعنی فراتر از ۱۵۰۰ سال برای این محوطه تقویت می‌یابد (شکل ۳).

شکل ۳: نمودار شماتیک دوره آهن و قبل از آن، در سایت مورد مطالعه



۳-۵- تأسیس دولت ماد (۸۰۰ ق.م.) تا ظهور اسلام

جهت شناخت قدمت سایت در این دوره ابتدا لازم است موقعیت سایت مورد بحث در حریم شهری تبریز آن دوره مشخص شود. بر اساس یافته‌هایی از آثار دوره اورارتویی در حفاری مسجد جامع تبریز (Torabi Tabatabayi, 2004, p. ۲) همچنین در ناحیه کوه والان در شمال شرقی تبریز (Burney & Lang, 2007, p. 207)، گمان می‌رود که سایت مورد مطالعه در این مقطع زمانی، داخل محدوده استقرار شهری بوده باشد (شکل ۴).

بر این اساس و به ظن قوی از حدود ۸۰۰ ق.م. تا ظهور اسلام، سکونت انسانی در این سایت برقرار بود. به عبارتی در دوره‌ای که گذر از جامعه بدوی به پیشرفته، در شمال غرب ایران رخ می‌داد، این سایت نیز جزو اولین محدوده‌هایی بود که تمدن و شهرنشینی در آن برقرار شده بود.

شکل ۴: موقعیت سایت مورد مطالعه نسبت به محدوده شهر در دوره ۸۰۰ ق.م. تا ظهور اسلام



۴-۵- ظهور اسلام تا سلجوقیان

ابوعبدالله مقدسی در کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» در سال ۳۷۵ ه.ق. در بخشی از توصیف تبریز می نویسد: «جامعش در میان شهر و نیکی هایش بی شمار است» (Maqdasi, 2006, p. 561)، که با توجه به دلایل قابل اعتمادی که مرحوم کارنگ، بر واقع بودن مسجد جامع قرون اولیه اسلامی بر محل مسجد جامع فعلی ارائه می دهد (Karang, 1995, pp. 264-266) و با علم بر وسعت حدود یک کیلومترمربع شهر در این دوره تاریخی (Minorskii, 2010, p. 40)، احتمال می رود که قلمرو شهر، به محوطه مورد مطالعه نمی رسیده است (شکل ۵). البته این بدان معنا نیست که در این محدوده، طی بازه زمانی مذکور حیات وجود نداشته باشد؛ بلکه مقصود، واقع نبودن در داخل شهر و عدم وجود کالدهای شهری در سایت مورد نظر است. اما باید دقت داشت که این محوطه در آن زمان در محاذات مسیر جاده ابریشم که از تبریز می گذشت، قرار داشته است.

شکل ۵: موقعیت سایت مورد مطالعه نسبت به محدوده شهر در دوره ظهور اسلام تا سلجوقیان



۵-۵- سلجوقیان تا قراویونلوا

جهت پی بردن به موقعیت مکانی سایت مورد مطالعه در این دوره تاریخی، لازم است به این نکته اشاره شود که محوطه مورد مطالعه، بین شنب غازان و ربع رشیدی، واقع شده بود. از این رو سایت مورد مطالعه، در این دوره تاریخی داخل شهر قرار داشته و به دلیل واقع بودن در مسیر جاده ابریشم، مسیر ارتباطی شنب غازان با ربع رشیدی نیز، از مجاورت این مکان عبور می کرده است (شکل ۶).

هرچند بر ما معلوم نیست که محوطه مذکور در آن دوره زمانی دقیقاً دارای چه نوع کاربری بوده، اما آنچه مشخص است واقع بودن آن در قلب شهری آباد در عصر شکوفایی و توسعه معماری و شهرسازی در این شهر بوده است.

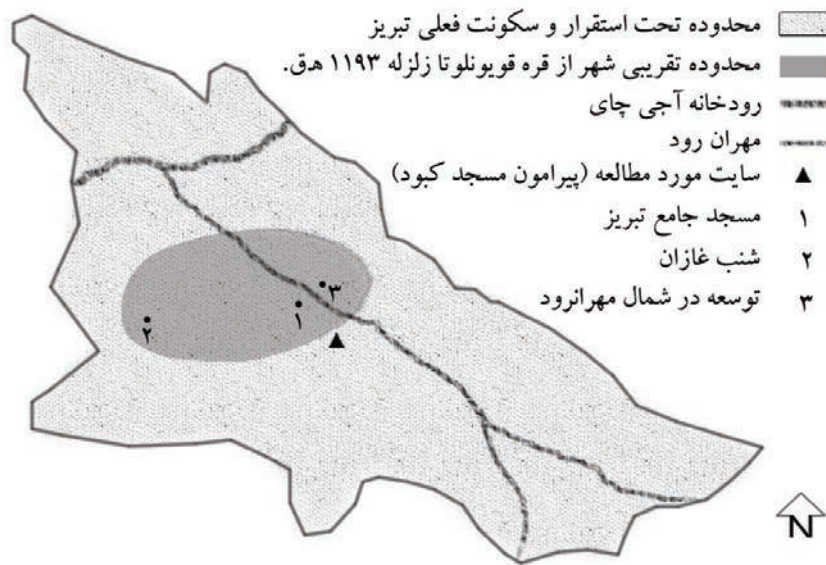
شکل ۶: موقعیت سایت مورد مطالعه نسبت به محدوده شهر در دوره سلجوقیان تا قراویونلوا



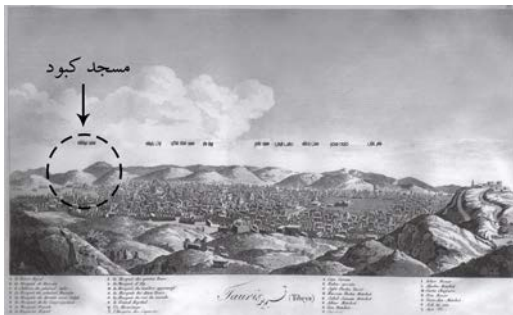
۶-۵- قراقویونلوها تا زلزله ۱۱۹۳ ه.ق.

پیشینه سایت مورد مطالعه از این دوره، سیمای روشن تری به خود می‌گیرد؛ زیرا پرآوازه‌ترین مرحله عمرانی سایت در این دوره رقم خورده و مجموعه عظیم مظفریه که مسجد کبود عضوی از آن بود، به سال ۸۷۰ ه.ق. بنا شد (Zoka, 1989, p. 185). بنابراین احداث این مجموعه پرهزینه معماری، مؤید ارزش منطقه‌ای سایت در آن زمان است. بعد از دوره قراقویونلوها و در عصر صفویه بر اساس ترسیمات مطراقچی (شکل ۸) و همچنین شاردن (شکل ۹)، مشاهده می‌شود که مسجد کبود در منتهی‌الیه شرقی شهر و در ناحیه‌ای کم تراکم واقع شده بود (شکل ۷)؛ از این بررسی‌ها استفاده می‌شود که مجموعه مظفریه در خارج از شهر و در مسیر جاده ابریشم، احداث شده بود.

شکل ۷: موقعیت سایت مورد مطالعه نسبت به محدوده شهر در دوره قراقویونلوها تا زلزله ۱۱۹۳ ه.ق



شکل ۹: طرح شاردن از تبریز



شکل ۸: نقشه مینیاتوری مطراقچی از تبریز

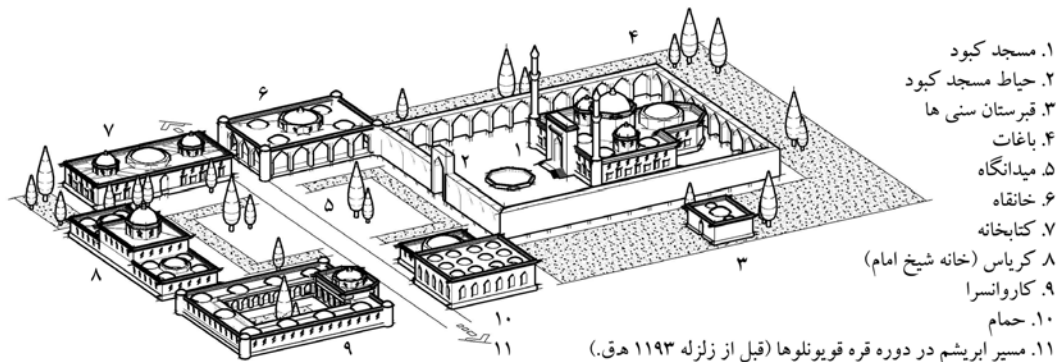


(Fakhari Tehrani et al., 2005, p. 14 & 18)

در این پژوهش، بازسازی گرافیکی از وضعیت اولیه مجموعه مظفریه بر اساس اسناد معتبر تهیه شده است (شکل ۱۰). این بازنمود گرافیکی، موقعیت برخی از اعضای مجموعه را که نامشان در متون تاریخی آمده است بازگو می‌نماید. همچنین شناخت موقعیت جاده ابریشم را نسبت به مسجد کبود نشان می‌دهد. زیرا بر اساس متون تاریخی، این مسجد دارای حیاط بزرگ یا به عبارتی صحن و حوضخانه بوده است (Dieulafoy et al., 1990, p. 52). با در نظر گرفتن اینکه ورودی اصلی مسجد، در ضلع شمالی آن واقع بوده؛ از این رو عبور مسیر ابریشم دقیقاً از کنار سردر مسجد و داخل این حیاط، غیر منطقی به نظر می‌رسد. از طرفی مادام دیالافوا در سفرنامه خود می‌نویسد: پس از زلزله و خرابی‌ها یک راه کاروان رو در پهلوی پله‌های جلوخان مسجد کبود ایجاد شده است (Ibid).

بنابراین به ظن قوی این همان مسیری است که امروزه به اشتباه به عنوان رد تاریخی ابریشم شناخته شده و مسیر اصلی اندکی بالاتر قرار داشته است. از طرفی تاورنیه در توصیف این مجموعه می نویسد "در اطراف میدان بزرگ تبریز و مجاورت آن بقیه آثار و بناهای عالی دیده می شود" (Torabi Tabatabayi, 2000, p. 10). که بقایای حمامی که اخیراً در شمال غرب مسجد کیود یافت شده، موقعیت میدانهایی که تاورنیه به توصیف آن پرداخته را تا حدودی مشخص ساخته و فرضیه بالاتر بودن مسیر ابریشم از موقعیت شناخته شده فعلی را تقویت می نماید. چراکه عبور مسیر ابریشم از میدان، منطقی تر از عبور آن از داخل صحن مسجد می باشد.

شکل ۱۰: تصویر بازسازی شده مجموعه مظفریه در زمان قراقویونلوها



(The Authors Based on Data Analysis)

۷-۵- از زلزله ۱۱۹۳ ه.ق. تا عصر حاضر

در اواخر حکومت زندیه و به سال ۱۱۹۳ ه.ق. زلزله شدیدی در تبریز رخ داد که مسجد کیود و مجموعه پیرامون آن نیز از این بلا در امان نمانده و بخش عظیم آن از بین رفت و سپس در ساماندهی مجدد شهر و به تبع احداث باروی جدید در ۱۲۲۴ ه.ق. توسط نجفقلی خان دنبلی (Minorskii, 2010, p. 64)، سایت مورد مطالعه، خارج از بارو و شهر قرار گرفت (شکل ۱۱).

شکل ۱۱: موقعیت سایت مورد مطالعه نسبت به محدوده شهر در اوایل دوره قاجار

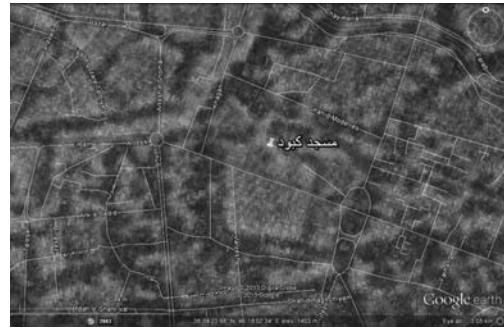


قدیمی ترین سندی که می تواند اطلاعاتی در مورد کیفیت مکانی سایت مورد مطالعه پس از زلزله مذکور به دست دهد، نقشه روس ها از «حومه و استحکامات شهر تبریز» متعلق به سال ۱۸۲۷ میلادی (۱۲۴۲ ه.ق.) است که نشان می دهد در آن زمان، یعنی ۵۰ سال پس از زلزله، هنوز ساخت و سازی در این مکان صورت نگرفته است (شکل ۱۲). اما پس از این دوران رفته رفته کالبدهایی در منطقه ایجاد می شود؛ چنانکه مادام دیالافوا در سال ۱۸۸۱ میلادی، تقریباً ۵۰ سال پس از تهیه نقشه «حومه و استحکامات»، در توصیف مجموعه مسجد کبود می نویسد: امروزه تمام این بنای عالی نفیس خراب شده، حتی زمین آن را هم اهل محل تصرف کرده و در روی آن خانه هایی برای خود ساخته اند (Dieulafoy et al., 1990, p. 52). همچنین در سال ۱۸۸۰ میلادی (۱۲۹۷ ه.ق.) یکی از معتبرترین نقشه های تبریز به نام «نقشه دارالسلطنه» ترسیم شده است (Fakhari Tehrani et al., 2005, p. 44). که نشان می دهد در آن مقطع زمانی بخشی از سایت مورد بحث، تبدیل به گورستان شده بود (شکل ۱۳). اواخر قاجاریه با کاسته شدن از اهمیت جهانی جاده ابریشم که به دلیل پیشرفت صنعت دریانوردی و توسعه ترابری دریایی رخ داد؛ رونق این محوطه که قرن ها تحت الشعاع جاده مذکور بود، به طرز ملموسی کاهش یافت (Raisnia, 1991, p. 541). این مرحله، یکی از مهم ترین مراحل در تحول کارکردی این محوطه محسوب می شود.

شکل ۱۳: مکان یابی موقعیت مسجد کبود در نقشه دارالسلطنه تبریز



شکل ۱۲: مکان یابی موقعیت مسجد کبود در نقشه حومه و استحکامات



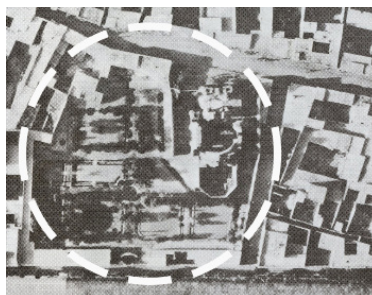
(Fakhari Tehrani et al., 2005, pp. 23 & 45)

شکل ۱۶: قسمتی از باغ دلگشا (سوموکللی باغ) در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی



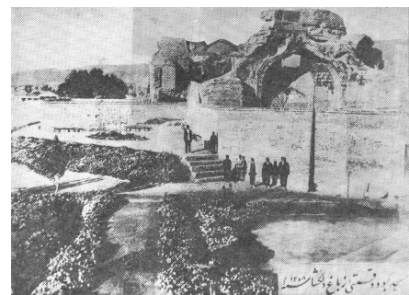
National Cartographic Center of
(East Azarbaijan)

شکل ۱۵: عکس هوایی از مسجد کبود و محوطه گردشگاه عمومی کنار آن در سال ۱۳۱۶



(Schmidt, 1997, p.189)

شکل ۱۴: قسمتی از باغ دلگشا (سوموکللی باغ) در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی



(Torabi Tabatabayi, 2000, p. 18)

در اوایل سلطنت پهلوی اول، با ثبت مسجد کبود در فهرست آثار ملی این بنا مورد حمایت قانون قرار گرفته و به حفاظت از آن اقبال نشان داده شد (Dibaj, 1955, p. 16). احداث خیابان پهلوی در جنوب مسجد کبود نیز از اقدامات این دوره است که مسیر جدیدی را برای دسترسی به محوطه مسجد تعریف نمود (شکل ۱۷). همچنین در این دوره و به سال ۱۳۰۸ ه.ش. شهردار تبریز (میرزا محمدعلی خان تربیت) گورستان مندرس جنب مسجد را به گردشگاهی عمومی به نام «باغ دلگشا» که «سوموکللی باغ» هم نامیده می شد، مبدل ساخت (شکل های ۱۴ و ۱۵).

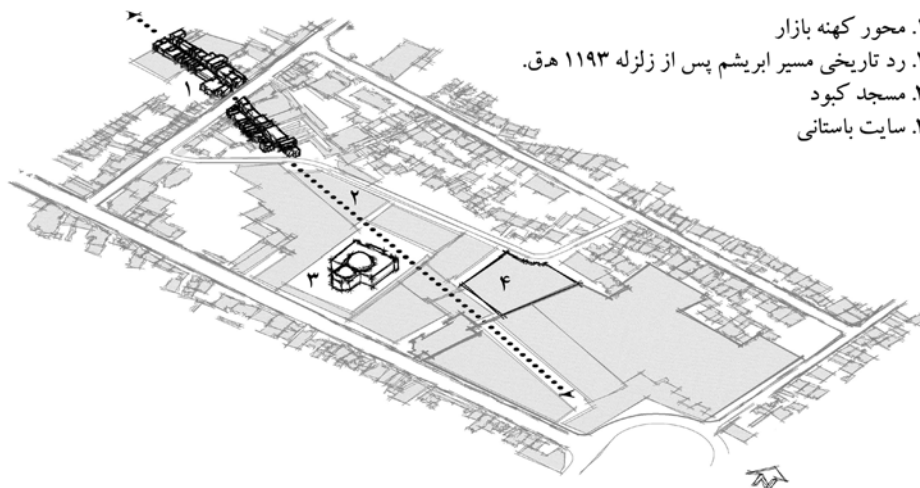
شکل ۱۷: تصویر بازسازی شده پیرامون مسجد کبود در دوره قاجار (پس از اقدامات میرزا محمدعلی خان تربیت)



(The Authors Based on Aerial Map Schmidt and other Data Analysis)

بررسی عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. بافت شهری پیرامون مسجد کبود (شکل ۱۶) و مقایسه آن با عکس هوایی سال ۱۳۱۶ ه.ش. که توسط اشمیت عکس برداری شده بود (شکل ۱۵) نشان می‌دهد که بافت مذکور طی سال‌های (۱۳۱۶-۱۳۳۵ ه.ش.) ساختاری متراکم و عموماً با کاربری تجاری و یا خدماتی داشت؛ وضعیتی که تا انتهای دهه شصت هجری شمسی، با اندک تحولاتی استمرار یافت. در اوایل دهه هفتاد و در پی تصویب محور فرهنگی - تاریخی شهر تبریز، انتظار بر آن بود که به محوطه مسجد کبود توجه لایق به شأن شود. اما تخریب و تسطیح بافت پیرامون آن و سپس ساخت پروژه تجاری در آن بافت، امکان انجام هر اقدام شایسته‌ای را با مشکل مواجه ساخت. شروع به ساخت مجموعه تجاری مذکور، ضمن دگرگون نمودن سیمای تاریخی محیط، باعث شد در حین پروژه، کشف اتفاقی لایه‌های باستانی، منجر به توقف عملیات آن شود (شکل ۱۸) این موضوع سبب شد که بخش اندکی از محوطه پیرامون مسجد کبود از کلنگ پروژه مذکور نجات یابد.

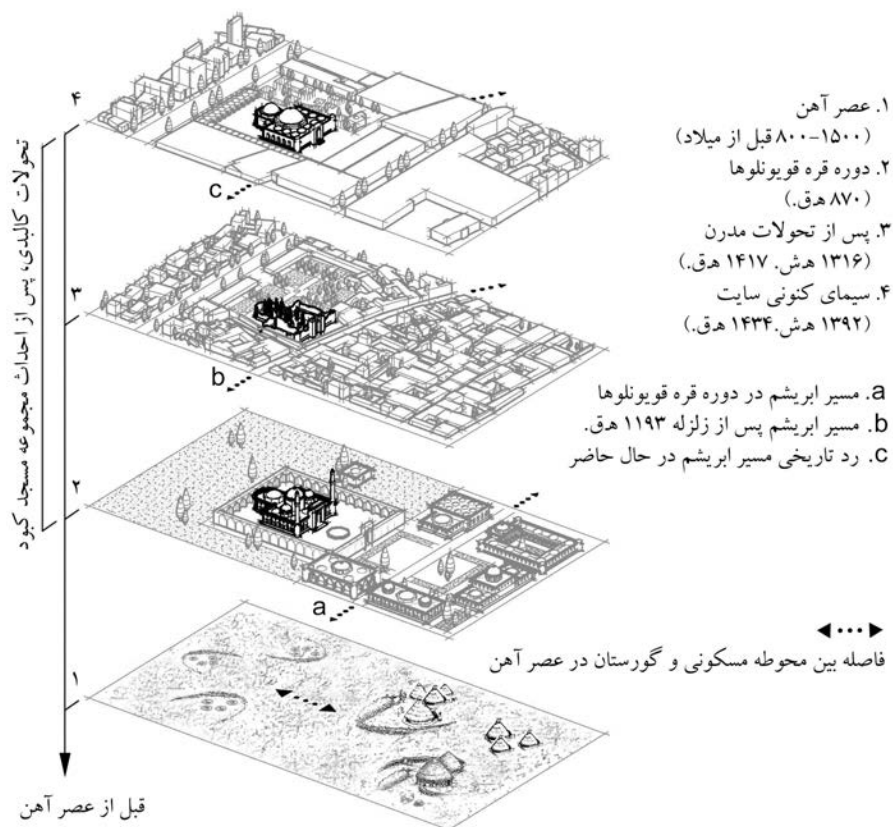
شکل ۱۸: موقعیت سایت باستانی پیرامون مسجد کبود نسبت به محور کهنه بازار و مسجد کبود



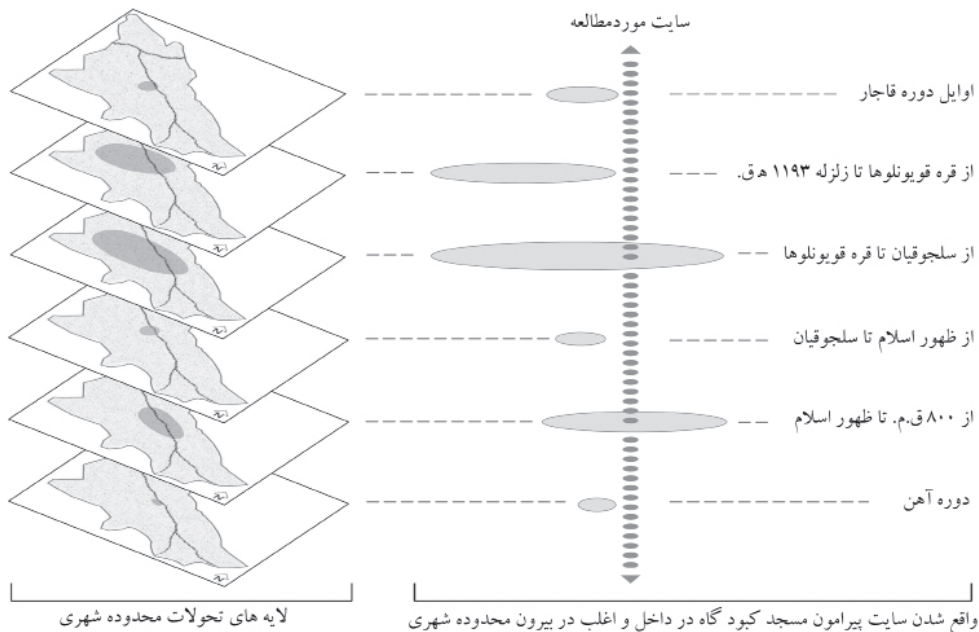
۶. جمع بندی

بر اساس مباحثی که انجام گرفت، روشن می شود محیطی که مسجد کبود بر بستر آن ساخته شده، در طی سالیان متمادی و از پیش از عصر آهن تاکنون مورد توجه انسان ها بوده است (شکل ۲۱). اگرچه فقدان مدارک کافی، امکان بررسی جزئیات ساختاری این محیط را از ابتدا تاکنون، با مشکل مواجه می سازد؛ لکن برای شناخت دوره های متأخر، این مشکل کم تر است (شکل ۲۰). به خصوص طی مباحث نوشتار حاضر، به صورت مستند دانسته شد که در طی بازه تاریخی یکصد سال اخیر، به چه میزان ساختار کالبدی بافت پیرامون مسجد کبود دستخوش تحولات بوده است (شکل ۱۹). ذیلا و در قالب نمودارهای تصویری، بخشی از یافته های پژوهش ارائه شده است.

شکل ۱۹: سیمای کالبدی سایت پیرامون مسجد کبود تبریز، در چند دوره تاریخی



شکل ۲۰: موقعیت قرارگیری سایت پیرامون مسجد کبود نسبت به محدوده شهری در دوره های تاریخی مختلف



شایان ذکر است که محدوده های شهری مشخص شده در هر دوره تاریخی، طبق نقاط اثبات شده زیستی بر اساس تحلیل داده های هر دوره، ترسیم شده است و محدوده واقعی، شاید بزرگتر بوده باشد.

شکل ۲۱: استمرار حیات در سایت پیرامون مسجد کبود



۷. نتیجه گیری

هر تصمیمی برای محیط های تاریخی، بدون طی مرحله شناخت، تبعات زیان باری را برای موجودیت مادی و معنایی چنین محیط هایی در پی خواهد داشت. یکی از مصادیق عدم توجه به این امر مهم، فرجام تلخی است که در دهه هفتاد شمسی برای محوطه تاریخی مسجد کبود تبریز رقم خورد. محوطه مذکور که قدمتی برابر با عصر آهن دارد و در طول تاریخ نیز بارها استقرار جوامع انسانی در آن برقرار بوده؛ هویت و منزلتی دارد که متناسب با شأن آن رفتار نشود. از سویی، تعدد ارگان های مدیریتی و تصمیمات متفرق مدیریت های ذی مدخل، عامل تشدیدکننده مشکل بود. اگر در مداخلات آن دوره، کارشناسان تصمیم گیرنده برای این محوطه، متوجه رسالت و مسئولیت اجتماعی خود بوده و الزام به برخورد عالمانه و معمارانه با چنین محیط ارزشمندی را می داشتند؛ پیش از تخریب بافت اطراف مسجد، نسبت به اتخاذ یک راهبرد طراحی متناسب با شأن محیط اقدام نموده و مانع بروز مشکلات بعدی می شدند. انتهای سخن اینکه بحران بیست ساله در وضعیت عمرانی این محوطه که هنوز هم به طور کامل حل نشده است، تجلی دگر باره ای از رویارویی توسعه و تضاد در پی تصمیمات شتاب زده می باشد.

پی نوشت

1. Sustainability

۲. ر.ک به «تاریخ حفاظت معماری» (Jokilehto, 2007, p. 315).

۳. متون تاریخی از میدانگاهی بزرگ سخن می گویند، که بناهایی عالی گرداگرد آن را فراگرفته بودند (Torabi Tabata- bayi, 2000, pp. 9-10). در این مجموعه، خانقاه و کتابخانه در کنار مسجد نام برده شده است (Karang, 1995, p. 285)؛ (Dibaj, 1955, p. 16). که با یافته شدن بقایایی از یک حمام در غرب مسجد، طبیعتاً عناصر مذکور، در شرق این مسجد واقع بوده اند. همچنین کنار مسجد، به قبرستان کوچکی از سنی ها اشاره شده است (Dieulafoy et al., 1990, p. 52) که احتمالاً به دلیل همجواری نبودن با خانقاه، در سمت حمام واقع بوده است. تاورنیه نیز به یک کریاس در طرف دیگر معبر (مسیر ابریشم)، اشاره نموده است (Torabi Tabatabayi, 2000, pp. 10-11). برای کاروانسرای این مجموعه هم، که ذکری از موقعیت آن نشده، احتمالاً بدنه جاده ابریشم بهترین جانمایی برای آن بوده است. قابل ذکر است که حجم مسجد کبود بر اساس مینیاتور مطراقچی و همچنین توصیفات از کتب مذکور بازسازی شده است.

References

- Burney, Ch. & Lang, D. (2007). *The People of the Hills: Ancient Ararat and Caucasus*, (H. Sadeghi, Trans.), Tehran: Negah.
- Dibaj, E. (1955). *East Azerbaijan Directory Monuments*, Tabriz: National Association of Azerbaijan.
- Dieulafoy, J. De Honor, L. & Academy, O. (1990). *Iran*, (A. M. Farahvashi, Trans.), Tehran: University of Tehran Press.
- Fakhari Tehrani, F., Parsi, F. & Bani Masoud, A. (2005). *Reading up of Old Maps of Tabriz*, Tehran: Construction and Urban Optimization Company of Iran.
- Feilden, B. & Jokilrhto, J. (2009). *Management Guidelines for World Cultural Heritage Sites*, (P. Hanachi, Trans.), Tehran: University of Tehran Press.
- <http://www.earth.google.com>, April, 2013.
- Hejabri Nobari, A. (2000). *Preliminary Report of the Second Season of Excavations at the Archaeological Site Blue Mosque in Tabriz*, Tehran: Cultural Heritage Organization and Archaeology Research Center and Tarbiat Modarres University, College of Human Sciences.
- Hejabri Nobari, A. (2002). *Report of the Fourth Season of Archaeological Excavations Archaeological Site Blue Mosque in Tabriz*, Tehran: Cultural Heritage Organization and Archaeology Research Center and Tarbiat Modarres University, College of Human Sciences.
- Jokilehto, J. (2007). *A History of Architectural Conservation*, (M. Talebiyan & Kh. Talebi, Trans.), Tehran: Rozaneh.
- Kabirsaber, M. B. (1999). Historical Context; Lost Potential, *Earth and Urban Development Conferences*.
- Kabirsaber, M. B. (2012). A Study of the Islamic Stone Works in Tabriz Armenians Cemetery, *Journal of Bagh-e Nazar*, 19(23), 75-82.
- Kabirsaber, M. B. (2012). Deliberating on Khaje Rashidedin Fazl Allah Planning, Case study: A Review of the Initial Creation of Fath Abad Village in Tabriz, *Journal of Housing and Rural Environment*, 31(140), 39-50.
- Karang, A. (1995). *Ancient works of Azerbaijan*, Tehran: Anjoman- e Asar va Mafakher- e Farhangi va Rasti- e No.
- Lynch, K. & Hack, G. (1984). *Site Planning*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Mahdazadi Newspaper, (2000). Monday, October 30, No.2235, 1-8.
- Maqdasi, M. (2006). *The Best Divisions for Knowledge of the Regions*, (A. Monzavi, Trans.), Tehran: Koomash.
- Minorskii, V. (2010). *The History of Tabriz*, (A. Karang, Trans.), Tabriz: Aydin.
- Mohebali, M. H. (2003). Preserving Historic – Cultural Works, *Journal of Haft Shahr*, 14(12, 13), 26-30.
- Raisnia, R. (1991). *Azarbaidjan in the History of Iran: From the Beginning up to the Rise of Islam*, Tabriz: Nima.
- Schmidt, F. (1997). *Flights over Ancient Cities of Iran*, (A. Shishegar, Trans.), Tehran: Cultural Heritage Organization.
- Torabi Tabatabayi, S. J. (2000). *Blue Mosque Turquoise of Islam*, Tabriz: mahdazadi.
- Torabi Tabatabayi, S. J. (2004). *Tabriz History according to Coin and Appendix*, Tabriz: Moallef.
- Zoka, Y. (1989). Tabriz, in, M. Y. Kiyani (E.d.), *Iranian Cities* (3 vols.), Tehran: Jahad daneshgahi press, 151-202.